

آثار سرقت ادبی در اخلاق روزنامه‌نگاری

علیرضا والی اصل*

چکیده

رسانه یکی از حوزه‌های مهم و چالش‌برانگیزی است که در حوزه اخلاق کاربردی بررسی می‌شود. در قرن بیست و یکم با سرعت پرشتاب فن‌آوری ارتباطات و افزایش قدرت تأثیرگذاری رسانه‌های پرشمار و متنوع، مسائل اخلاقی پیچیده‌ای در سطح رسانه‌ها نمایان شده است. روزنامه به‌عنوان اولین رسانه گروهی و رسانه‌ای که خصوصیات منحصر به فرد و تأثیرگذاری دارد، رسالتی مهم را در آگاهی بخشی به مردم به دوش می‌کشد. تحقیق حاضر، اهم مسائل مطرح شده در رسانه به‌طور عام و روزنامه‌نگاری به‌طور خاص را بیان کرده و با روش توصیفی تحلیلی در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده

*- کارشناس ارشد رشته فلسفه اخلاق دانشگاه زنجان.

vali.dariya@yahoo.com

تاریخ تایید: ۱۳۹۳/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۱۷

در باب سرقت آثار ادبی برآمده است و در نهایت این مسئله را از دیدگاه آیات و روایات بررسی می‌نماید؛ پرسش‌هایی از قبیل اینکه: سرقت آثار ادبی دیگران چه تأثیراتی بر مخاطبان و خود روزنامه‌نگاران دارد؟ مصادیق سرقت آثار ادبی کدام‌اند؟ آیا روزنامه‌نگاران می‌توانند داستان‌سازی کنند؟

واژه‌های کلیدی

اخلاق کاربردی، رسانه، اخلاق روزنامه‌نگاری، سرقت آثار ادبی، داستان‌ساختگی.

مقدمه

امروزه در سده بیست و یکم همراه با سرعت پرشتاب فن‌آوری ارتباطات و افزایش قدرت تأثیرگذاری رسانه‌های پرشمار و متنوع، مسائل اخلاقی پیچیده‌تری در سطح رسانه‌ها نمایان شده است. ظهور فن‌آوری نوین در عرصه‌های گوناگون زندگی، انسان معاصر را با مسائل پیچیده‌ای روبرو کرده و در تطبیق معیارهای اخلاقی و تشخیص عملکرد درست و زندگی خوب، به چالش کشیده است. تأسیس رشته جدیدی در مطالعات اخلاقی به نام اخلاق کاربردی، بازتاب پیدایش عرصه‌های جدید و بروز معضلات تازه بوده که در صدد دنبال کردن دو مأموریت مهم است: ۱. به مسائل اخلاقی که تازه بروز کرده است، پاسخ بدهد؛ ۲. تعارض‌های اخلاقی را که عمری دامن‌گیر بشر بوده است، حل کند.

روزنامه‌نگاری یکی از این حوزه‌هاست که در جهت آگاهی مردم و پیدایش حکومت‌های دموکراسی، به وجود آمده است؛ به عبارتی، روزنامه‌نگاری محصول دموکراسی است؛ اما در زمان کنونی در ارتباط بین روزنامه‌نگاران و دولت‌ها، روزنامه‌نگاران اصول اخلاقی‌شان را کنار گذاشته و خط فکری اخبار رسانه‌ها، اغلب اوقات تحت فشار زیاد که گاهی مستقیم و گاهی غیرمستقیم بر آنها وارد می‌شود، به زانو درمی‌آیند.^۱ جوامع مختلف، از نیمه اول قرن نوزدهم، آرام آرام متوجه نقش تعیین‌کننده رسانه‌ها در جهت‌دهی به افکار، احساسات و رفتارهای اقشار و اصناف مختلف شهروندان و هدایت تصمیم‌گیری‌های دولت‌مردان شدند. (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷۴) روزنامه‌نگاری در ایران از سال ۱۲۱۵ قمری با روزنامه بی‌نام میرزا صالح شیرازی پدید آمد. (آشوری، ۱۳۹۱: ۳۵) قدرت این پدیده نوظهور اندیشمندان را بر آن داشت تا با تعریف شاخص‌ها و هنجارهای اخلاقی و ظرفیت‌عظیم این ابزار، تمدن جدید را هدایت و کنترل کنند و از آسیب‌زدن و آسیب‌دیدن اخلاقی آن جلوگیری کنند. یکی از مسائل شایع و پیچیده‌ای که در رسانه‌ها و از جمله در روزنامه‌ها به چشم می‌آید، سرقت ادبی است. مسائلی که در این زمینه مطرح هستند، عبارت‌اند از: سرقت آثار ادبی^۲ دیگران چه تأثیراتی را بر مخاطبان و خود روزنامه‌نگاران دارد؟ مصادیق سرقت آثار ادبی کدام‌اند؟ آیا روزنامه‌نگاران

1-foreman, the ethical journalist making responsible decision in the pursuit of news, p.9.

۲- (plagiarism) دکتر سید حسن اسلامی در برابر این واژه، انتحال را قرار داده‌اند که به نظر می‌آید ترجمه

مناسب‌تری باشد؛ زیرا واژه سرقت ادبی، بسیاری از نمونه‌هایی که در آن‌ها کسی چیزی را از دیگران به خود نسبت می‌دهد، در بر نمی‌گیرد، درحالی‌که واژه انتحال از پس انتقال این معنا بر می‌آید.

می‌توانند داستان‌سازی^۱ کنند؟ مقاله حاضر در صدد بررسی این پرسش‌ها در حرفه روزنامه‌نگاری و پاسخ‌گویی به آنها است.

تعریف اخلاق

اخلاق که در زبان انگلیسی در برابر واژه morality قرار می‌گیرد، به لحاظ لغوی جمع خُلُق و خُلُق است و به معنای خلق و خوی درونی و علم اخلاق آمده است. (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۱۸۰) در جای دیگری، اخلاق به معنی شیوه‌های رفتاری هر فرد، گروه یا جامعه‌ای به کار رفته است که ناشی از نظام ارزشی باشد. (صدری‌افشار، ۱۳۷۵: ۶۷) در فرهنگ فارسی معین، اخلاق جمع خلق به معنی خوی‌ها، طبیعت باطنی و سرشت درونی است. علم یا تهذیب اخلاق یا تهذیب نفس، یکی از شعبه‌های حکمت علمی است و آن دانش بد و نیک، خوی‌ها و تدبیر انسان برای نفس خود یا یک شخص خاص است. (معین، ۱۳۶۰: ۱۷۴) در فرهنگ دهخدا نیز همین معنی برای اخلاق ذکر شده است. (دهخدا، ۱۳۷۴: ۱۵۲۶)

اما در اصطلاح، کلمه اخلاق و معادل‌های آن در زبان‌های دیگر به چند صورت استعمال می‌شود. گاهی به این معنا که صفتی نفسانی است یا هیأتی راسخ شده است؛ یعنی حالتی در نفس رسوخ داشته باشد و موجب این شود که افعالی از انسان، متناسب با آن صفت، صادر شود، بدون اینکه به فکرکردن و سنجیدن احتیاج داشته باشد. گاهی هم اصطلاح اخلاق به عنوان صفت فعل یعنی کار اخلاقی به کار می‌رود و منظور تنها صفات نفسانی نیست. در این

حالت اگرچه هنوز به صورت هیأتی راسخ در نفس پدید نیامده باشد و از روی فکر و تأمل انتخاب شده باشد؛ ولی در عین حال موصوف به اخلاق فاضله یا رذیله می‌شود. (مصباح، ۱۳۶۷: ۱۰-۹)

بنابراین اخلاق یعنی اینکه یاد بگیریم برای اعمال و رفتار خودمان دلیل بیاوریم. همان‌طور که برخی معتقدند:

اخلاق عبارت است از تلاش برای قراردادن رفتار خود تحت هدایت دلیل؛ یعنی کاری را انجام دهیم که بهترین دلایل برای انجام آن وجود دارد و در عین حال ارزش یکسان قائل شدن برای منافع کلیدی افرادی که متأثر از رفتار ما خواهند بود. (ریچلز، ۱۳۸۹: ۳۰)

اخلاق کاربردی و جایگاه آن در فلسفه اخلاق

علم اخلاق علمی درجه اول است و در هیچ علمی از مبادی آن علم بحث نمی‌شود. بنابراین، مبادی این علم در فلسفه اخلاق^۱ بررسی می‌شود که علمی درجه دوم و ناظر به اخلاق است.

فلسفه اخلاق مشتمل بر سه شاخه فرااخلاق^۲، اخلاق هنجاری^۳ و اخلاق کاربردی^۴ است. (Lyons, 2002: 4) فرااخلاق که می‌توان آن را انتزاعی‌ترین

1-Ethics.

2-Meta Ethics.

3-Normative Ethics.

۴- اخلاق کاربردی (Applied Ethics) را می‌توان بر اجتهاد در فقه تطبیق داد. همان‌طور که در فقه مسائلی به‌مرور زمان مثل نمازخواندن در هواپیما پیش می‌آید و مجتهد با توجه به منابع، حکم آن را استخراج می‌کند، اخلاق کاربردی هم با بروز مسایل مناقشه‌برانگیز در علم، ضامن حل مسائل با توجه بر اصول اخلاقی کلی است.

شاخه فلسفه اخلاق به حساب آورد، خود شامل سه حوزه دلالت‌شناسی اخلاقی، وجودشناسی اخلاقی و معرفت‌شناسی اخلاقی است و پرسش‌های متافیزیکی و معرفت‌شناختی را بررسی می‌کند، پرسش‌هایی مانند اینکه، آیا ارزش‌های اخلاقی عینی هستند؟ معنای ارزش‌های اخلاقی چیست؟ آیا تفکرات راجع به این ارزش‌های اخلاقی می‌تواند علمی حقیقی را تأسیس نماید؟ (Bunnin & James, 2003:491)

در این میان، اخلاق هنجاری به شناسایی معیار فعل اخلاقی و تدوین نظریه‌های الزام و ارزش می‌پردازد. این شاخه از فلسفه اخلاق سر و کارش با مفاهیم و روش‌های اخلاقی نیست، بلکه با پرسش‌های اخلاقی حقیقی است. هدف اصلی اخلاق هنجاری این است که مشخص کند عوامل اخلاقی برای انجام اعمال درست اخلاقی چه اصول اخلاقی را باید مراعات نمایند. بنابراین برای حل اختلافات و ناسازگاری‌های اخلاقی موجود، چاره‌اندیشی می‌کند. (Bunnin & Yu, 2004:228)

یکی دیگر از شاخه‌های فلسفه اخلاق که عده‌ای آن را شاخه مستقلی به حساب نمی‌آورند (Bedau, 1998:81) و تحت اخلاق هنجاری به معرفی آن می‌پردازند، اخلاق کاربردی^۱ است. پای اخلاق کاربردی در موضوعات مناقشه‌برانگیزی در حوزه علم باز می‌شود که نظریات در آنان متعدد است. اخلاق کاربردی عبارت است از کاربرد نظریه‌های اخلاقی کلی در مسائل اخلاقی همراه با بی‌طرفی در حل این مسائل. در معنای وسیع‌تر اخلاق

1-Applied Ethics.

کاربردی عبارت است از هرگونه کاربست انتقادی روش‌های فلسفی برای سنجش تصمیمات عملی اخلاق و مواجهه با مسائل، رفتارها و سیاست‌های اخلاقی در حرفه‌ها، تکنولوژی، حکومت و غیره. (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷۵)

در واقع وجوه خاصی در اخلاق کاربردی وجود دارند که آن را عملاً از اخلاق نظری^۱ جدا می‌کنند. توجه بیشتر به متن و جزئیات و رویکرد کل‌گرایانه‌تر (عزم اخلاق کاربردی در مرتبط کردن آرمان‌های اخلاقی با درکی از ماهیت و نیازهای انسانی) از وجوه خاص اخلاق کاربردی است. نقطه تمرکز نهایی در موضوع اخلاق کاربردی ممکن است کاملاً خاص و عینی باشد؛ یعنی مطالعه موردی و منفرد. و این است که وجه شاخص‌تر اخلاق کاربردی را آشکار می‌کند. (Almond, 1998: 319)

اخلاق رسانه و مسائل پیش روی آن

یکی از حوزه‌هایی که در اخلاق کاربردی بررسی می‌شود، رسانه است. واژه Media در زبان لاتین جمع medium و به معنای رسانه‌های گروهی و وسائل ارتباط جمعی است و حوزه‌های زیادی از قبیل روزنامه، مجله، فیلم، تلویزیون، رادیو، ایمیل و اینترنت را شامل می‌شود. (Ligtenberg, 2003: 44) در فرهنگ و بستر نیز ذیل آن آمده است: «هر وسیله، واسطه و ... نظیر رادیو که واسطه ارتباط است.» (Guralnik, 1970: 466)

1-Theoretical Ethics.

اخلاق رسانه^۱ یعنی اینکه اخلاق و رسانه در کجا و چگونه با همدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. به عبارتی اخلاق رسانه یعنی اینکه جایگاه اخلاق در رسانه کجاست و اخلاق چه الزاماتی را بر رسانه تحمیل می‌کند؟ به سخن دیگر رسانه‌ها و دست‌اندرکاران آنها در فعالیت‌های رسانه‌ای خود چه جایگاهی را باید برای اخلاق در نظر بگیرند؟ بنابراین اخلاق رسانه یعنی اینکه رسانه‌ها چه اصول اخلاقی را باید در ارائه اخبار، اطلاعات و برنامه‌های خود رعایت نمایند تا ضمن انجام رسالت خود، حداقل آسیب را به مخاطبان و جامعه هدف خود وارد آورند.

رسانه‌ها بر اساس یک مبنا، به دو دسته تقسیم می‌شوند: رسانه‌های الکترونیک مانند رادیو، تلویزیون و اینترنت و رسانه‌های چاپی شامل روزنامه‌ها، نشریه‌ها و مجلات. (فخارطوسی، ۱۳۸۹: ۳) روزنامه، اولین رسانه گروهی، نقش عمده‌ای را به‌عنوان ابزاری آگاهی‌بخش، در زندگی بشر بازی کرده است؛ بنابراین پرداختن به مسائل اخلاقی در آن می‌تواند راهگشای ما در چگونگی به انجام رسانیدن رسالتش، یعنی آگاهی مردم باشد.

اخلاق روزنامه‌نگاری

از جمله موضوعاتی که در حوزه اخلاق رسانه قرار می‌گیرد، روزنامه‌نگاری است. مقصود از اخلاق روزنامه‌نگاری^۲ مجموعه قواعد و احکام اخلاقی ناظر بر رفتارهای ناشی از ماهیت روزنامه‌ها و اقدامات دست‌اندرکاران آنها است.

1-Media Ethics.

2-Journalism Ethics.

چون روزنامه‌ها نخستین نمودهای تاریخی رسانه در میان بشر بوده‌اند و رسانه‌های دیگر به تبع آن‌ها، در راستای تسریع و ترویج اهداف آن‌ها شکل گرفتند، پژوهش‌گران علوم ارتباطات گاه بحث از اخلاق رسانه را ذیل عنوان اخلاق روزنامه‌نگاری دنبال کرده‌اند. (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۸۲)

در هر حرفه‌ای بسته به اثراتی که مراعات نکردن اخلاق در آن حرفه به همراه دارد، اخلاق اهمیتی متفاوت دارد. برای مثال در پزشکی که موضوع مرگ و زندگی در میان است، اخلاق به مراتب اهمیتی فوق‌العاده دارد و محیط زیست به همین ترتیب. در این میان، رسانه چون با طیف وسیعی از افراد جامعه در ارتباط است و به صورت آگاهانه و ناخودآگاه رفتارهای مخاطبان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مراعات نکردن اصول اخلاقی در آن می‌تواند فجایع عظیمی چه به لحاظ روانی و چه به لحاظ فرهنگی و اقتصادی به بار آورد. بنابراین، روزنامه به عنوان رسانه‌ای مهم و تأثیرگذار، باید جایگاه اخلاق را در خود باز یابد و دست‌اندرکاران خود را به رعایت اصول اخلاقی وادار نماید. اخلاق روزنامه‌نگاری محل تقاطع اخلاق و عمل روزنامه‌نگاران است؛ یعنی اینکه روزنامه‌نگاران در راستای انجام وظایف خود در امر روزنامه‌نگاری، چه جایگاهی را باید برای اصول اخلاقی در نظر بگیرند.

اگر این پرسش را در برابر جمعی از روزنامه‌نگاران مطرح کنیم که علت اخلاقی بودن رفتار شما در کارتان چیست، احتمالاً پاسخ‌های متنوعی دریافت خواهیم کرد؛ اما در عین حال که ممکن است پاسخ‌های آن‌ها گوناگون باشد، ماهیتشان یکسان است و در سه مقوله جامع می‌توانند قرار بگیرند. روزنامه‌نگاران مانند بیشتر انسان‌های دیگر دوست دارند در نظر مردم شایسته

احترام باشند و خود را راست گو و نجیب ببینند. (foreman,2010:11) آن‌ها اگر کارشان را درست انجام بدهند، علاوه بر پاداش‌های دیگر، پاداشی معنوی دریافت خواهند کرد. انگیزه‌ای عملی نیز وجود دارد که روزنامه‌نگاران کارشان را درست انجام می‌دهند و آن اینکه اگر مردم گزارش آن‌ها را باور نداشته باشند، دیگر هیچ چیزی برای فروختن ندارند. روزنامه‌نگاران چشم مردم در جامعه هستند و مردم باید به چشمانشان اعتماد کنند؛ اما اگر این اعتماد شکسته شود، آن‌ها شکست خواهند خورد. مصرف‌کننده عاقل همیشه دنبال جنس با کیفیت می‌گردد و سعی می‌کند جنسی را انتخاب کند که در میان اجناس دیگر، اعتمادپذیرتر باشد؛ بنابراین، روزنامه‌نگار اخلاقی می‌تواند روزنامه‌نگار سودمندی باشد که معیشتی برای خود و خانواده اش فراهم کند. علاوه بر این، بسیاری از آن‌ها به انگیزه احساس مسئولیت و تحت حکم وجدان اخلاقی خود، اخلاق را در کار خود رعایت می‌کنند.

در راستای مسئولیتی که روزنامه‌نگاران بر عهده دارند (آگاهی مردم) و براساس اصولی که برای روزنامه‌نگاری تعیین شده است، (معمدنژاد، بی‌تا: ۳۱-۷۶) یک سری مسائل روبروی آن‌ها قرار دارد که ناگزیر از پاسخ به آن‌ها هستند، سوالاتی از قبیل اینکه: آیا روزنامه‌نگاران مجازند برای پیگیری خبرها و گزارش‌های خود راه دروغ‌گویی، تحریف خبرها و فریب‌کاری را پیش گیرند؟ آیا آن‌ها می‌توانند نقل قول‌های مستقیم را تغییر دهند یا به آن‌ها اضافه کنند؟ آیا آنها می‌توانند سخنان مصاحبه‌شونده را بدون آگاهی وی ضبط نمایند؟ آیا آنها می‌توانند برای تهیه گزارش، حریم خصوصی دیگران را نقض نمایند؟ آیا روزنامه‌نگاران مجازند خودکشی‌ها را بیان کنند؟ آیا معیار متفاوتی برای

اشخاص معروف و عامه مردم وجود دارد؟ آیا آن‌ها می‌توانند اطلاعات نادرستی را که از سوی دولت اعلام شده است، در اختیار مردم بگذارند؟ آیا پرداختن به مسائل سلیقه‌ای یا استفاده از عکس‌های جنجال‌برانگیز با زبان و تصویری عاری از نزاکت مجاز است؟ آیا برای تهیه گزارش می‌توانند از دوربین مخفی استفاده نمایند؟ آیا می‌توانند گزارشی را چاپ یا پخش نمایند که توسط کنترل نامحسوس پلیس از راننده‌ای گرفته شده است؟ آیا سرقت آثار ادبی دیگران مجاز است؟ آیا روزنامه‌نگاران می‌توانند داستان‌سازی کنند؟ آیا نام قربانیان جنسی را می‌توانند فاش نمایند؟ و هزاران سوال دیگر. ما در این مقاله به یکی از مهم‌ترین مسائلی که در روزنامه‌نگاری با آن روبرو می‌شویم، یعنی سرقت ادبی، خواهیم پرداخت.

سرقت ادبی و نمونه‌های آن در روزنامه‌نگاری

سرقت و دزدی یعنی «برداشتن هر چیزی که حق برداشت آن را نداریم». (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶: ۴۰۸) سرقت ادبی و به بیانی بهتر، انتحال، یعنی به‌خودبستن و معادل واژه Plagiarism که از واژه plagiarus در زبان لاتین به معنای سارق، گرفته شده است و این نیز به نوبه خود از plagium به معنای دام شکار، گرفته شده است. واژه‌نامه‌های انگلیسی تقریباً به اتفاق در تعریف انتحال از تعبیر دزدی استفاده می‌کنند. (اسلامی، ۱۳۹۰: ۷) هدف از این اصطلاح در بحث سرقت ادبی این است که کسی سخن یا نوشته دیگری را عیناً، بدون کم و زیاد و دخل و تصرف یا با تصرف اندک به خود نسبت دهد. سرقت ادبی استفاده از ایده‌ها و عبارتهای دیگران، به‌عنوان ایده و

عبارت‌های خویش و در واقع نوعی دستبرد فکری یا «ایده‌دزدی» است. سرقت ادبی در روزنامه‌نگاری می‌تواند شامل طیف وسیعی از دستبردهای آگاهانه در اخبار و اطلاعات، عکس‌ها، آمارها تا کپی‌کردن اتفاقی مطالب دیگران باشد. پس ضروری است روزنامه‌نگاران، آگاهی لازم جهت اجتناب از آن را داشته باشند. سرقت ادبی، در سال‌های اخیر به‌علت به‌وجود آمدن اشکال مختلف تکنولوژی اطلاعات، رونق گرفته است.

برخی از مقالاتی که در روزنامه‌ها چاپ می‌شود از اقسام سرقت ادبی محسوب می‌شود؛ چراکه از ذکر منابع در برخی مواقع اجتناب می‌شود. ذکر منابع و ارجاع به نویسنده اصلی ضروری است و به خواننده می‌رساند که چه مقدار از مطالب مقاله از آن نویسنده است.

یکی دیگر از مصادیق سرقت ادبی داستان‌ساختگی^۱ است که در گذشته در روزنامه‌نگاری مطرح بوده و امروزه نیز شایع‌تر شده است. داستان‌ساختگی، یعنی اینکه شخصی بدون مراجعه به واقعیت و گزارش و توصیف آن، گوشه‌ای بنشیند و در خیال خود داستانی بسازد یا مطلبی بنویسد یا عکسی طراحی کند و آن را به‌جای واقعیت جا بزند. علاوه بر آن دست‌کاری عکس‌ها و نوشته‌ها و چاپ آن‌ها برای تحقق بخشیدن به اهداف خود نیز از مصادیق داستان‌ساختگی و سرقت آثار ادبی است. این عمل، به‌لحاظ اخلاقی نادرست است و در مواقعی، به زبان حقوقی، جعل سند محسوب می‌شود و مجازات‌های زیادی را در پی خواهد داشت؛ اما این سؤال پیش می‌آید که انواع داستان‌ها و رمان‌ها در

گذشته نوشته شده است و امروزه نیز نوشته می‌شود، تکلیف آن‌ها چه می‌شود؟ آیا آن‌ها نیز به لحاظ اخلاقی نادرست‌اند؟ در پاسخ باید گفت که در داستان ساختگی، بنا بر این است که شخص، داستان را به‌عنوان امری بیندارد که در واقع اتفاق افتاده است و با این قصد داستان او را می‌سازند که مخاطبان آن را به‌عنوان امری واقعی بدانند و به آن واکنش نشان دهند.

داستان‌ساختگی و به‌تبع آن سرقت‌های ادبی را می‌توان از اقسام دروغ به حساب آورد؛ چرا که تعریف دروغ بر آن‌ها صدق می‌کند. دروغ‌گویی یعنی اینکه «شخصی با قصد اخبار از واقع، خبر خلاف واقعی که خود، علم به نادرستی‌اش دارد، به شخص دیگر بدهد با این قصد که او باور کند آن خبر واقعیت دارد.» (اترک، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

دروغ هم به لحاظ عقلی و هم شرعی از اعمال غیراخلاقی است و جز در مواقع ضرورت و اصلاح جایز نیست. (اترک، ۱۳۹۲: ۲۱) داستان‌سازی نادرست است و نهادهای خبری با داستان‌سازی و سرقت ادبی دیگران، به‌عنوان جرم جدی‌تری نسبت به دیگر اشتباهاتی که در گزارش اتفاق می‌افتد، رفتار می‌کنند. این قانون‌شکنی‌ها به‌طور مداوم باعث عزل مجرمان می‌شود و نهادهای خبری علاوه بر تنبیه اعضا، قانون‌شکنی‌ها را افشا می‌کنند، به این دلیل که مخاطب حق دارد به اطلاعات درست دسترسی پیدا کند. (foreman, 2010: 130)

از این رو، روزنامه‌نگاران باید از اعتماد مخاطبان‌شان سوءاستفاده نکنند و به هر دلیلی و با هر انگیزه‌ای به این اعمال ناپسند دست نزنند که هم به ضرر جامعه و در نهایت به ضرر خودشان و روزنامه‌شان تمام خواهد شد.

آثار سرقت ادبی در روزنامه‌نگاری

در اصول اخلاقی ذکرشده برای روزنامه‌نگاری، تحریف عمومی خبرها و اطلاعات جایی ندارد و روزنامه‌نگاران را به این سمت سوق می‌دهد که هرگز محتوای مطالب، عکس‌ها و فیلم‌های خبری را دست‌کاری نکنند و سعی نکنند ویرایش آن‌ها به گونه‌ای باشد که انسجام و درستی متن و محتوای تصاویر حفظ شود. اصول اخلاقی بیانگر این نکته است که از هرگونه دست‌کاری تصاویر یا اضافه‌کردن یا دگرگون‌کردن صداها که ممکن است بر اساس آن‌ها بینندگان گمراه شوند یا وقایع برای آن‌ها بد جلوه داده شود، می‌بایست اجتناب کرد؛ زیرا مردم فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را در اکثر مواقع بر اساس اظهارات و مطالب رسانه‌ها تنظیم می‌کنند؛ اگر مطلب، عکس یا هر چیز دیگری که واقعیتی ندارد، در روزنامه‌ای چاپ شود، به دلیل اینکه مردم بر این اطلاعات حساب باز می‌کنند، می‌تواند زیان‌های مالی و آبرویی و در برخی مواقع جسمی و روحی زیادی برای مردم به همراه داشته باشد.

به‌خطرانداختن امنیت فرهنگی و اجتماعی

از جمله اثراتی که این عمل می‌تواند به همراه داشته باشد اینکه اگر مردمی که امروزه سواد رسانه‌ای آن‌ها تقریباً به حد مطلوبی رسیده است، بفهمند اطلاعات نادرست یا بی‌پشتوانه در اختیار آن‌ها قرار گرفته است، به این دلیل که احساس می‌کنند با آن‌ها بازی شده است، دچار سرخوردگی شده و احساس امنیت نخواهند کرد؛ این مردم هر لحظه ممکن است احساس کنند اخبار نادرستی دریافت می‌کنند و حتی زمانی که اطلاعات درستی می‌بینند، باور

نخواهند کرد؛ زیرا رشته اطمینان آن‌ها پاره شده است. افراد چنین جامعه‌ای، به قول معروف، با این طناب پاره به ته چاه نخواهند رفت و این موضوع، جامعه را به لحاظ فرهنگی و اجتماعی با دشواری روبرو خواهد کرد؛ به این دلیل که از لوازم جامعه خوب و سالم، داشتن امنیت فرهنگی و اجتماعی است.

سردرگمی مردم و فریب اذهان عمومی

انتحال سبب می‌شود مردم در عقاید و باورهای خود نسبت به دین یا جامعه یا کشور، دچار سردرگمی شوند؛ برای مثال، اگر کسی عکس یا آمار یا هر چیز دیگری را که مربوط به جریان دیگری است و در راستای هدف دیگری تهیه شده است، بخواهد برای جای دیگری استفاده کند و تفسیر دیگری از آن بکند که شاید برعکس آن چیزی است که آن عکس یا آمار در صدد بیان آن است یا گفته شخصی را از اول و آخر حذف کند و مطابق با میل خود آن را بیان کند و بر ضد خود او استفاده نماید، این باعث می‌شود که مردم در باورشان راجع به آن شخص یا آن موضوع تغییر پیدا کنند و به لحاظ اخلاقی، شخص سارق یا جاعل مسئول این سردرگمی و فریب اذهان عمومی است.

دچارکردن جامعه به رکود علمی و فرهنگی

انتحال یا سرقت ادبی باعث می‌شود افراد به خلق آثار جدید روی نیاورند؛ زیرا وقتی می‌بینند که آثار آن‌ها بدون هیچ دلیلی به دیگران نسبت داده می‌شود و اگر منفعت مادی یا معنوی که حق آنها است، نصیب دیگران می‌شود، حاشیه امنیت و انگیزه خود را از دست می‌دهند و این امر، جامعه را دچار رکود علمی

و فرهنگی می‌کند. علاوه بر آن، افراد در نتیجهٔ انتحال، کوشش نخواهند کرد تا آثار خود را به لحاظ کیفی تقویت نمایند.

بدبین کردن مردم نسبت به مرتبهٔ علمی بزرگان علمی و فرهنگی خود

در برخی مواقع مشاهده می‌شود که شخص به دلیل اینکه دربارهٔ پذیرش سخن خود توسط دیگران خیالش راحت شود، سخن خود را که بی‌اساس به نظر می‌رسد به کسانی استناد می‌دهد که به لحاظ موقعیت علمی جایگاه شان تنبیت شده است. بنابراین، انتحال سبب می‌شود افراد نسبت به مرتبهٔ بزرگان علمی و ادبی خود بدبین شوند.

جلوگیری از پیشرفت و ترقی جامعه

یکی دیگر از اثراتی که می‌توان برای انتحال ذکر نمود، اینکه انتحال باعث می‌شود افراد، منفعل و غیرفعال بار آیند و هیچ‌گونه خلاقیتی از خودشان نشان ندهند. کسی که دائماً از دسترنج دیگران استفاده کرده، به راحتی عادت می‌کند و دیگر خود را در معرض تلاش برای نوآوری قرار نمی‌دهد؛ به قول معروف، کسی که همواره ماهی آماده در اختیار او بوده، ماهی‌گیری را نخواهد آموخت. بنابراین، جامعه‌ای با داشتن چنین افرادی هیچ‌گاه مسیر پیشرفت و ترقی را طی نخواهد کرد.

اگر بخواهیم همهٔ اثرات این عمل غیراخلاقی را در یک جمله خلاصه کنیم، باید گفت: انتحال باعث اضرار به غیر می‌شود. به عبارت دیگر اصل عدم اضرار

به غیر (اترک، ۱۳۹۲: ۱۹)^۱ را که یکی از ارکان و پایه‌های اصلی اخلاق است، زیر پا می‌گذارد.

آموزه‌های اسلامی و سرقت ادبی

در جای جای آموزه‌های اسلامی از قرآن کریم گرفته تا منابع روایات، پر است از توصیه‌های اکید به رعایت فضائل اخلاقی در قبال خود، جامعه و دیگران. روزنامه‌نگار باید در برابر عملکرد خویش پاسخ‌گو و مسئولیت‌پذیر باشد. همچنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

تا زمانی که گفتاری را بر زبان نرانده‌ای، آن کلام و گفتار در اختیار تو است؛ ولی زمانی که آن را اظهار داشتی، از آن پس ضامن عواقب و پیامدهای آن خواهی بود. (فولادی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

پیام‌رسانی در آموزه‌های اسلامی به اندازه‌ای مهم است که قرآن کریم خود را بلاغ دانسته است. (ابراهیم/۵۲) و آن‌گاه که رسالت پیامبران را پیام‌رسانی بیان کرده است، بر شجاعت و شهامت پیام‌رسانان به‌هنگام بیان پیام تأکید می‌کند. (همان: ۱۱۵) روزنامه‌نگار باید در انعکاس اطلاعات و اخبار، راست‌گویی و امانت‌داری را پیشه کند و از دادن اطلاعات دروغ و نادرست اجتناب نماید. راست‌گویی از اصول اولیه‌ای است که در آیات و روایات بسیاری بر آن تأکید شده است. در آیه ۴۲ سوره بقره آمده است: ﴿وَلَا تَلْبِسُوا

۱- از نظر اخلاقی ضررزدن به خود یا دیگران مصداق ظلم بوده و عملی قبیح و نادرست است. این اصل وظیفه اخلاقی ناشی از حق است که الزامی شدید و قوی دارد و به هیچ‌وجه نقض‌پذیر نیست؛ مگر اینکه با الزامی شبیه خود و قوی‌تر از خود در تعارض باشد.

الحق بالباطل و لا تكتُموا الحق و انتم تعلمون ﴿﴾، این آیه روزنامه‌نگاران را از کتمان حقیقت، البته به‌طور آگاهانه، باز می‌دارد و تأکید می‌کند که واقعیت را آن‌گونه که هست برای مردم بیان نمایند؛ چراکه مردم بر اساس اطلاعات آنان زندگی خود را شکل داده و برنامه‌ریزی می‌کنند و احیاناً به قضاوت می‌پردازند و اصولاً قضاوت‌هایی که مدرک روشن و شایسته‌ی اعتمادی ندارد و بر پایه‌ی حدس و گمان‌های بی‌اساس است، عملی گمراه‌کننده و مستحق نفرین و عذاب است. خداوند تبارک و تعالی در همین سوره آیه ۷۷ می‌فرماید: ﴿أولایعلمون أن الله یعلم ما یسرون و ما یعلنون﴾. روزنامه‌نگاران چشم مردم در جامعه هستند و آن‌ها را امین خود می‌شمارند، همچنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خیانت بزرگی است که به برادرت سخنی بگویی که راستگویت شمارد و تو به او دروغ بگویی. (نراقی، ۱۳۹۰: ۳۰۵)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خدای عز و جل هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر با راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار. (همان: ۲۳۹)

در آیه ۷۷ سوره مبارکه توبه به پیمان‌شکنی و دروغ اشاره شده و دروغ را از صفات منافقان به شمار می‌آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، منافقان را کسانی معرفی می‌کند که سخن دروغ می‌گویند، حُلف وعده می‌کنند و در امانت خیانت می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۶۹) امانت در بیان عرف به امانت‌های مالی گفته می‌شود؛ ولی در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را در بر می‌گیرد. قرآن کریم در آیه ۲۷ سوره مبارکه انفال خیانت به امانت را از منفورترین اعمال و زشت‌ترین گناهان ذکر

می‌نماید و کسی را که در امانت خیانت کرده باشند، منافق معرفی می‌کند. اصولاً ترک خیانت در امانت از وظایف و حقوق انسانی است که از مصادیق آن تحریف و دست‌کاری در واقعیات از سوی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران است. (همان: ۱۷۳-۱۷۴)

امام موسی کاظم علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

ادای امانت و راستی، روزی را جلب می‌کند و خیانت و دروغ، تهیدستی و نفاق را. (کمپانی، ۱۳۸۶: ۱۹۵)

حضرت سجاد علیه السلام نیز دروغ را عملی زشت می‌شمارد و به ادای امانت تأکید می‌ورزد. (کمپانی، ۱۳۸۶: ۲۵۸) عقل ما هم به نادرستی دروغ‌گویی حکم می‌کند؛ زیرا دروغ‌گویی بی‌اعتمادی می‌آورد و بی‌اعتمادی زندگی انسان‌ها را فلج می‌کند. پس روزنامه‌نگاران باید مراقب باشند که مرتکب دروغی هر چند کوچک نشوند؛ زیرا برای اصلاح آن مجبورند به دروغ‌های بزرگتری روی آورند.

تحریف و دست‌کاری، دروغی بزرگ است که در آیه ۱۰ سوره مبارکه ذاریات، شدیداً مرتکب آن مذمت شده است. در آیه بعد آن‌ها را کسانی می‌خواند که در جهل و غفلت و بی‌خبری فرورفته‌اند و حرف‌های بی‌پایه و بی‌اساس می‌زنند.

سرقت آثار ادبی در کلام امام موسی کاظم علیه السلام نیز عملی زشت شمرده شده است؛ ایشان می‌فرمایند:

هرکس چیزی را که از عمل او نیست بر خود بندد، عملش تباه می‌شود و

آرزویش به ناامیدی می‌کشد. (کمپانی، ۱۳۸۶: ۱۹۵)

اما در پایان بحث، لازم است به چند نکته مهم و کلیدی اشاره کنیم:

۱. براساس آیه ۶ سوره مبارکه حجرات، نمی توان انکار کرد که مسئله اعتماد بر اخبار موثق، اساس تاریخ و زندگی بشر را تشکیل می دهد؛ به طوری که اگر مسئله حجیت خبر عادل یا موثق از جوامع انسانی حذف شود، بسیاری از میراث های علمی گذشته و اطلاعات مربوط به جوامع بشری و حتی مسائل زیادی که امروز در جامعه خود با آن سر و کار داریم، به کلی حذف خواهد شد. ساختن خبرهای دروغین و تکیه بر اخبار غیر موثق، یکی از حربه های قدیمی نظام های جبار و استعماری است که به وسیله آن جو کاذبی ایجاد می کنند و با فریب و اغفال مردم ناآگاه، آنان را گمراه می سازند و سرمایه های آنها را به تاراج می برند. اگر مسلمانان به همین دستور الهی که در این آیه وارد شده است، عمل کنند و خبرهای فاسقان را بدون تحقیق نپذیرند، از این بلاهای بزرگ مصون خواهند ماند. تکیه بر اخبار غیر موثق بسیار خطرناک و موجب از هم پاشیدگی نظام جوامع است، مصائب فراوانی به بار می آورد و حیثیت و حقوق اشخاص را به خطر می اندازد و انسان را به بیراهه و انحراف می کشاند و سرانجام مایه ندامت و پشیمانی خواهد شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۲: ۲۷۶) بنابراین، روزنامه نگاران موظف اند، مادامی که به اطلاعات و اخبار درخور اعتمادی دسترسی پیدا نکرده اند، خبری را منتشر نکنند و نیز مردم وظیفه دارند درباره خبری که شنیده اند، تحقیق کنند و از منابع مختلف بازدید نمایند و چشم و گوش بسته هر چیزی را نپذیرند.

۲. در تعالیم اسلامی، حقوقی که انسان به عهده دارد، به سه دسته تقسیم شده است: حق الله، حق النفس و حق الناس که در این میان اهمیت حق الناس بعد

از ایمان به خدای متعال، از همه بیشتر و آثار و عواقب حاصل از آن در زندگی ابدی دامنه‌دارتر است. (سادات، ۱۳۸۷: ۸۱) حق دانستن مردم نیز از حقوق ناس محسوب می‌شود و روزنامه‌نگاران باید این حق مردم را به آنها برگردانند.

۳. گفته شده است که روزنامه‌نگاران در مقابل مردم و حرف‌هایی که می‌زنند، مسئول‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که این مسئولیت به شرطی متوقف باشد. همچنان‌که به نظر مک‌این‌تایر، انسان، مسئول افعالی است که انجام می‌دهد و این نکته اصلی‌ترین تمایز بین انسان و حیوان است و دیگر موجودات مسئولیتی در قبال افعال خود ندارند؛ چون انسان مسئول رفتار خویش است، همواره به جاست که از او بخواهیم افعال خود را توجیه کند و وجه معقولی برای آن‌ها بیاورد. (شهریاری، ۱۳۸۸: ۴۰۲)

اما انسان باید از نوعی آزادی مثبت، به معنای خودمختاری و استقلال رأی، برخوردار باشد؛ اینکه فرد راه زندگی خود را خودش برگزیند و با اراده خود، تصمیماتش را بگیرد. هدف‌ها و خط‌مشی‌هایش را خود برگزیند و در راه آن تلاش کند تا خود را مسئول گزینش‌های خود بداند. (همان: ۳۳۲) تعهد مسئولیت اجتماعی وقتی معنا دارد که از دو خصیصه اختیار و قدرت برخوردار باشد. اگر فرد متناسب با نقش و مقام اجتماعی خود دارای اختیار یعنی قدرت انتخاب باشد یا توانایی انجام کاری را داشته باشد، مسلماً در برابر پاسخ از عمل خود و آثار و پیامدهای آن احساس مسئولیت می‌کند. بین مسئولیت فرد نسبت به خود و جامعه رابطه‌ای منطقی و ضروری وجود دارد. وقتی نتوان مرز حیات فردی را از حیات اجتماعی جدا کرد، در این صورت نمی‌توان مرز بین مسئولیت فردی با مسئولیت اجتماعی را نیز جدا ساخت. (هاشمی رکاوندی،

۱۳۷۵: ۱۶۲) بنابراین اگر روزنامه‌نگار در کار خود آزاد نباشد و استقلال رأی نداشته باشد، قادر به انجام مسئولیت خود نبوده و نمی‌توان او را مسئول دانست. پس باید استقلال خود را حفظ نموده و از هر گونه تهدید یا تطمیع خود را دور کند و گرنه مستوجب عقاب از سوی خداوند و مردم خواهد بود.

نتیجه‌گیری

روزنامه‌نگاری، به‌عنوان اولین رسانه گروهی، نقش خطیری را در آگاهی مردم، فرهنگ‌سازی و ساختن جامعه‌ای دمکراتیک بازی می‌کند؛ بنابراین، روزنامه‌نگاران در این راه مسئولیت سنگینی را بر دوش می‌کشند. اما آن‌ها برای دستیابی به چنین اهدافی، نیازمند استقلال، آزادی بیان و نیز رعایت اصول اخلاقی در عمل هستند؛ مسئولیت آن‌ها در قبال گزارش‌هایشان به میزانی است که از استقلال و آزادی بیان برخوردار باشند. روزنامه‌نگاران چشم مردم در جامعه هستند و باید در امانتی که به آن‌ها سپرده شده است، خیانت نکنند. آن‌ها برای اینکه از صحت کامل اخبارشان اطمینان داشته باشند، نیازمند بررسی منابع گوناگون هستند، به‌ویژه منابع دولتی که اطلاعات را کنترل می‌کنند. دستبردهای آگاهانه در اخبار و اطلاعات، عکس‌ها، آمارها، تاپی‌کردن اتفاقی مطالب دیگران و نیز داستان‌سازی، از مصادیق سرقت آثار ادبی و همه از مصادیق بارز دروغ‌اند که هم به‌لحاظ شرعی و هم عقلی جز در موقع ضرورت و اصلاح بین مردم جایز نیست و حتی در مواقعی که آسیب در خورتوجهی به دیگران وارد می‌کند، جرم محسوب شده و مجازات در پی خواهد داشت. بی‌اعتمادی، سردرگمی مردم در باورها و عقاید خود،

بی‌رغبت کردن افراد نسبت به خلق آثار جدید، دچار کردن جامعه به رکود علمی و فرهنگی، از میان بردن امنیت فرهنگی و اجتماعی و منفعل بار آوردن افراد و در نتیجه جلوگیری از پیشرفت و ترقی جامعه، از اثرات سوء انتحال یا سرقت ادبی است. در آموزه‌های اسلامی به خبررسانی اهمیت زیادی داده شده و با تأمل در آنها استنباط می‌شود که روزنامه‌نگاران باید همواره صداقت در بیان را مدنظر قرار داده و از تحریف، دست‌کاری و سرقت آثار ادبی دیگران اجتناب کنند.



منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، ۱۳۷۹، تهران: نشر نی.
۲. اسلامی، محمدتقی و دیگران، اخلاق کاربردی، چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی، ۱۳۸۸، چ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ۱۳۴۷، ج ۱۴، تهران: چاپ سیروس.
۴. راغب اصفهانی، ابوالحسین القاسم بن محمد بن مفضل، معجم المفردات الفاظ القرآن، ۱۳۷۶، تحقیق ندیم مرعشی، چ ۲، انتشارات المکتب المرتضوی.
۵. ریچلز، جیمز، فلسفه/اخلاق، ۱۳۸۹، ترجمه آرش اخگری، چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۶. سادات، محمدعلی، اخلاق اسلامی، ۱۳۸۷، چ ۲۱، تهران: انتشارات سمت.
۷. شهریاری، حمید، فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک اینتسایر، ۱۳۸۸، چ ۲، تهران: انتشارات سمت.
۸. صدری افشار، غلام‌حسین؛ حکمی، نسرتین؛ حکمی، نسترن، فرهنگ فارسی امروز، ۱۳۷۵، چ ۲، تهران: مؤسسه نشر کلمه.
۹. فخارطوسی، جواد، امام خمینی رحمته الله علیه و رسانه‌های گروهی، ۱۳۸۹، چ ۳، تهران: چاپ و نشر عروج.
۱۰. فولادی، محمد، اخلاق روزنامه نگاری، ۱۳۸۷، چ ۱، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۱. کمپانی، فضل‌اله، حضرت امام سجاد علیه السلام، ۱۳۸۶، چ ۱، تهران: انتشارات مفید.